

گمرک تهران دیگر نمايشگاه آسيبهاي اجتماعي نيست

[ad_1]

به گزارش اقتصادآنلاین به نقل از ايران ، حسين عطايی مدير حراست شرکت انبارهاي عمومي و خدمات گمرکی تهران در تماس تلفنی اش ميگويد: «خودتان بيايد ببينيد بعد از گزارش شما چه اتفاقاتی در اين خيابانها افتاده و ما چه کارهايی برای رانندگان خارجي و دستفروشهاي گوشه خيابان کرده ايم.»

آذر 95 خيابانهاي اطراف گمرک در حد فاصل فتح، بهشتی و اتوبان آزادگان، با رانندگان خارجي بسياری رو به رو شدم که از چرخه کار گمرک، ناامنی خيابانها و وضعيت نابسامان دستفروشهاي دور و بر گله داشتند. آنها ميگفتند گمرک حتی حمام و سرويس بهداشتی درستی هم ندارد. وضعيتی ناخوشايند و ناشايست که مثل نمايشگاهی هرروزه پيش چشم خارجيها بود. «کنان آلتون باش» یکی از رانندگان ترک گفت: «همين یک ماه پيش که آمدم پول و گوشی موبايلم را زدند. اگر هم چیزی پيدا نکنند، شیشه ماشين را ميشکنند يا به در ضربه ميزنند.» برای راستی آزمایي حرفش نیازی به تحقيق نبود. چند دقیقه ای هم که به عنوان یک عابر پیاده کنار خيابان می ایستادید، متوجه عبور و مرور مشکوک موتورسوارانی ميشدید که دور و بر ماشينها می چرخند و منتظر فرصتند. راننده هاي ترک برای برقراری امنیت، یکجا جمع ميشدند و تا نوبتشان برسد، دسته جمعی از ماشينها و اموالشان حفاظت می کردند. آن موقع حتی برخی از راننده ها برای گرفتن چند لواش از ناوایي هم نمیتوانستند ماشين را رها کنند.

عطايی توضیح میدهد که در طول 7 ماه گذشته و درست پس از انتشار گزارش «بيابان خوابی در خيابان» جلسات متعددی برای ساماندهی گمرک برگزار شده است. مديرعامل انبارهاي عمومي و خدمات گمرکی، داديار شعبه یک دادسرای ناحیه 18، قائم مقام شهردار منطقه 18، شهردار ناحیه 5 منطقه 18، نماينده بهداشت منطقه، رئیس کلانتری 179 خليج فارس، پلیس مواد مخدر، پلیس امنیت، پلیس راهور، پلیس آگاهی و مسئولان و مقامات دیگری در اين جلسات پی در پی نشستند تا مشکلات به شکلی ریشه ای حل شود. عطايی ميگويد: «برای ما خیلی سنگين بود که رانندگان خارجي در اين منطقه امنیت نداشته باشند. واقعا همه

ارگان‌ها بخصوص آقای محمود محمدی دادیار ناحیه 18 خیلی پایه کار بود و با هرجایی که لازم بود هماهنگ کرد تا بتوانیم آسیب‌های اجتماعی منطقه را مهار کنیم و چهره آبرومندان‌های به گمرک بدهیم.»

همراه عطایی داخل محوطه می‌رویم تا شرایط جدید را از نزدیک ببینیم. حالا همه تریلی‌ها به داخل گمرک هدایت می‌شوند و رانندگان با امنیت کامل برای سفری دوباره تجدید قوا می‌کنند. عطایی می‌گوید: «با دستور آقای علیرضا عربی مدیرعامل گمرک 3 هکتار از زمین‌های نوروزآباد را آزاد کردیم تا آنجا رانندگان در امنیت منتظر رسیدن نوبت تحویل بارشان باشند.» محوطه بزرگی که با جدول تفکیک شده و ماشین‌ها به نوبت به سمت در ورودی گمرک می‌روند. کمی جلوتر هم رستوران بزرگی ساخته شده که رانندگان منتظر بتوانند در آن با خیال راحت غذایی بخورند و استراحت کنند.

داخل فضای 80 هکتاری انبار گمرک پر از انواع و اقسام بارهایی است که منتظر تحویل هستند. سوله‌های بزرگ مسقف و هانگارها هم پر از جنس. تریلی‌ها مرتب رو به روی انبارها ایستاده‌اند و منتظر خالی شدن بار هستند. گوشه‌ای از محوطه بزرگ تریلی‌های خالی را می‌بینیم. گشت حراست هم دائم داخل محوطه در حال گشتزنی و نظارت است. برای رانندگانی که داخل محوطه انبار هستند هم رستوران و سرویس بهداشتی مجزایی ساخته شده است.

«جوان گونسل» اهل «دوزجه» ترکیه یکی از راننده‌های ترکیه‌ای است که روبه روی انباری در سایه نشسته و منتظر خالی شدن ماشین و امضای رسید است. او 30 سال است که به ایران می‌آید. از گونسل می‌پرسیم وضعیت از چند ماه پیش چه تغییراتی کرده؟ می‌گوید: «اوضاع واقعاً بد بود. یکی از دوستانم را توی خیابان لخت کردند. حتی گازوئیل ماشین‌های ما را می‌زدیدند یا روی چادرها تیغ می‌کشیدند و اگر می‌شد جنس را می‌بردند. اگر هم چیزی گیرشان نمی‌آمد با اسپری روی ماشین رنگ می‌پاشیدند و نقاشی می‌کردند. اما الان واقعاً وضعیت فرق کرده؛ با خیال راحت می‌آیم توی محوطه و داخل ماشین هم می‌خوابیم، غذا می‌خوریم، حمام می‌رویم... دیگر از استرس آن روزها خبری نیست. همه چیز خوب و مرتب است.»

چند راننده ایرانی هم کنارش ایستاده‌اند و از اینکه بالاخره گمرک و منطقه، سروسامان گرفته خوشحال هستند. یکی که به قول خودش تا چشم باز کرده گمرک را دیده، می‌گوید: «واقعاً خدا پدر و مادرشان را بیامرزد، خیلی اوضاع خوب شده. راحت می‌آیم استراحت می‌کنیم و

خیالمان راحت است. سرویس‌های بهداشتی هم خیلی تمیز است.»

کمی آن طرفتر «اصلان ایکنجی» بار را خالی کرده و مشغول مرتب کردن چادرهای پشت ماشین است. اصلان اهل «کازان تپه» ترکیه است و تا حالا 8 سفر به ایران آمده. او از وضعیت حالای گمرک راضی است: «قبلاً راننده‌ها از وضعیت حمام و دستشویی شکایت داشتند اما الان خیلی تمیز است. قبلاً که ماشین را بیرون پارک می‌کردیم خیلی دلهره داشتیم و نگران بودیم. ماشین چند تا از دوستانم را دزد زده بود و همیشه به من سفارش می‌کردند مراقب باشم. اما حالا هم من و هم دوستانم که اینجا می‌آیند همه راضی هستیم.»

یکی دیگر از کارهای مهم برای مرتب کردن خیابان و محوطه گمرک جمع‌آوری دستفروش‌هاست. آنها توی محوطه خاکی روبه روی در اصلی گمرک می‌ایستادند و هر چیزی که فکرش را کنید در بساطشان پیدا می‌شد. از دل و جگر و میوه و چایی بگیر تا تجارت دلار و گاهی هم دعوا با چاقو و قمه. سال گذشته یکی از دستفروش‌ها می‌گفت: «نگاه به تیپ و قیافه طرف می‌کنیم و قیمت می‌دهیم. ایرانی و خارجی هم فرق می‌کند... توی ترکیه آب معدنی هزار تومنی ما را می‌دهند 6 هزار تومان، آن وقت انتظار داری ما به آنها ارزان بفروشیم؟» اما حالا یکی دو ماهی هست که دور محوطه خاکی پارکینگ را حصار آهنی گذاشته‌اند و فروشنده‌ها را به محوطه جدیدی که داخل گمرک است کوچانده‌اند. محوطه‌ای که شبیه فود کورت اگرچه نه به آن شیک. پارکینگ هم با کیوسکی که دم در گذاشته‌اند واقعاً تبدیل به پارکینگ شده است.

جلوی در ورودی محوطه جدید دستفروش‌ها در یک دکه میوه فروشی و چایی فروشی زیر سایه درختی ایستاده‌اند. آن‌طور که خودشان می‌گویند از آنها اجاره‌ای گرفته نمی‌شود و عطایی هم تأیید می‌کند. بقیه دستفروش‌های سابق هم در مغازه‌های تفکیک شده مشغول کار و مرتب کردن مغازه هستند. طهر است و بوی کباب و دیزی در فضا پیچیده.

جاوید ایمانیان یکی از فروشنده‌های قدیمی است که بتازگی در محل جدید صاحب واحد خود شده. او می‌گوید: «پدرم 48 سال است اینجا کار می‌کند و من هم از بچگی کنار او کار کرده‌ام. واقعاً بیرون محوطه توی خاک و خل کار می‌کردیم. مجبور بودیم چادر بزنیم و اوضاع تا دلت بخواهد به هم ریخته بود. الان خیلی راضی هستیم. تازه اول راه است. قرار است به شکل و شمایل اینجا برسیم و قشنگش کنیم.» مشتری‌ها پشت میزهای چوبی نویی نشسته‌اند و مشغول خوردن دل و جگرند. ایمانیان از وضعیت جدیدش حسابی راضی است.

خانم نودهی و آقای شکر شیری هم پشت میز نشسته‌اند. زوجی که قبلاً جلوی محوطه گمرک دستفروشی می‌کردند. خانم نودهی تقریباً 60 سال سن دارد و کمک حال شوهری که هر دو چشمش نابیناست. آنها بیست سال است در این منطقه برای رانندگان کباب درست می‌کنند و از وضعیت جدید خیلی راضی‌اند. بقیه فروشندگان هم مشغول درست کردن غذا و رسیدگی به مشتری‌ها هستند. بعضی هم در حال نصب کولر و چیدن میز و صندلی‌های نو. عطایی می‌گوید: «حالا نگاه نکن خیلی آرام و مرتب سر جایشان نشسته‌اند، اول که می‌خواستند بیایند داخل محوطه دعوا راه می‌انداختند و بهانه می‌آوردند. چند نفری هم علیه من شکایت کردند.» انتهای راسته مغازه‌ها یک دستشویی ساخته شده و قرار است بزودی باغچه‌ای هم اطراف محوطه درست کنند.

علیرضا عربی مدیرعامل شرکت انبارهای عمومی و خدمات گمرکی تهران از تکاپوی مجموعه بعد از انتشار گزارش می‌گوید: «وقتی روزنامه شما ورود کرد و موضوع شفافسازی شد، دغدغه ما هم برای سامان دادن به مجموعه به روز شد. نشستیم و برنامه‌ریزی کردیم و جلسه گذاشتیم تا مشکلات را در حد امکان برطرف کنیم. در واقع کار شما برای همه این علامت سؤال را ایجاد کرد که چرا بعد از این همه سال وضعیت منطقه این‌طور است؟ ما همه نهادهای تأثیرگذار را دعوت کردیم و گزارش شما را نشان دادیم و گفتیم وضع این‌طور است. همه بسیج شدند تا با یک هم‌افزایی مشکل را برطرف کنند. ما سعی کردیم در این ساماندهی، هم به امنیت رانندگان فکر کنیم و هم آسیب‌های منطقه را کاهش بدهیم و هم دستفروش‌هایی که سال‌ها در این منطقه کار می‌کردند بیکار نشوند و چرخه کار روان‌تر شود.» او در دورنمای این تغییرات به ساخت استخر و مجموعه ورزشی و هم توسعه فرهنگی فکر می‌کند: «به هرحال این شروع کار است.»

راننده‌های ترک دیگر گمرک ما را با گمرک عراق مقایسه نمی‌کنند و نمی‌گویند امنیت آنجا بهتر است. آنها برای یک بطری آب 6 هزار تومان پول نمی‌دهند و از ترس دزدهای گرسنه توی ماشین نمی‌خواهند و برای محافظت از یکدیگر وسط خیابان دور هم جمع نمی‌شوند. آنها دیگر از خود نمی‌پرسند در طول 30 سالی که به ایران می‌رویم چرا کامیون هندلی ما تریلی دنده اتومات شده اما گمرک تهران همانی هست که بود؟

ad_2]]

Source link